

اثر بخشی اجرای قوانین مشوق مالیاتی بر میزان افزایش درآمد مالیاتی دولت

آرزو بهمن پور خانی آبادی^{*۱}

^۱ دانش‌آموخته کارشناسی ارشد مدیریت دولتی - منابع انسانی، ایران - کارشناس ارشد امور مالی دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز

bahmanpoor1@yahoo.com

چکیده

هر نظام مالیاتی در جهان امروز وظایف متعددی را به عهده دارد که تأمین هزینه‌های دولت، تنها یکی از وظایف آن محسوب می‌شود. از مهم‌ترین وظایف نظام‌های مالیاتی، هدایت اقتصاد در مسیر درست آن است. در این راستا هدف کلی تحقیق تعیین تأثیر اجرای قوانین تشویق مالیاتی بر افزایش درآمد مالیاتی دولت می‌باشد. تحقیق حاضر از نوع توصیفی می‌باشد. جامعه آماری تحقیق حاضر شامل کلیه مؤدیان مالیاتی اداره مالیات استان خوزستان می‌باشد که بر اساس اطلاعات اخذ شده از واحد مربوطه تعداد آن‌ها برابر ۲۶۵۲۱ نفر می‌باشد. بر اساس فرمول تعیین حجم نمونه کوکران حجم نمونه آماری این پژوهش به تعداد ۳۶۳ نفر انتخاب گردید. جهت آزمون فرضیه‌ها از آزمون‌های آماری رگرسیون و ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد، یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد: قوانین تشویق مالیاتی در توسعه فرهنگ مالیاتی مودیان موثر نیست - اجرای قوانین تشویق مالیاتی در افزایش انگیزه برای مشارکت اجتماعی پرداخت مالیات موثر است - نگرش مثبت مؤدیان نسبت به قوانین تشویق مالیاتی عامل مؤثری در افزایش فرهنگ مالیاتی محسوب می‌شود.

واژگان کلیدی: قوانین، تشویق، مالیات، افزایش درآمد

۱- مقدمه

در بین انواع درآمدهای دولت، مالیات قابل قبول ترین و مناسب ترین نوع آن از نظر اقتصادی است. همچنین مالیات به عنوان ابزاری کارآمد در جهت اجرای سیاست‌های اقتصادی؛ اعم از توزیعی و مالی و حتی هدایت اقتصاد در مسیر اهداف کلان اقتصادی مانند تثبیت اقتصادی، ایجاد اشتغال، رشد اقتصادی و بهبود رفاه اجتماعی بشمار می‌آید. از این رو از نظر اقتصاددانان وجود یک نظام مالیاتی کارآمد برای تداوم فعالیت‌های دولت، از ضروریات است. افزون بر این، در کشورهای تک محصولی؛ مانند کشور ما که برای تأمین هزینه‌های دولت، بیشتر متکی به درآمدهای حاصل از صادرات منابع طبیعی هستند، بیشترین توجه، به نقش مالیات در بودجه دولت ضرورت دارد با توجه به مطالب یاد شده به نظر می‌رسد تصویب قوانین تشویق مالیاتی جهت افزایش درآمد مالیاتی دولت از ضرورت و اهمیت بالایی برخوردار می‌باشد لیکن در راستای مطلب یاد شده محقق در پژوهش حاضر به بررسی اثر بخشی اجرای قوانین تشویق مالیاتی در افزایش درآمد مالیاتی دولت می‌پردازد تا از آن طریق تأثیر قوانین تشویق مالیاتی مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد که در صورت وجود نکات ضعف، از طریق مطالعه اصولی مورد شناسایی و شفاف سازی و برنامه‌ریزی برای رفع آن‌ها قرار گیرد و موارد مثبت تقویت گردد. صد البته بی توجهی به موضوع پژوهش حاضر اقتصاد کشور وابسته‌تر و شکننده‌تر از پیش خواهد بود و با مرور زمان شاهد زیان‌های عدیده ای متوجه اقتصاد کشور خواهد شد.

۲- بیان مساله

تأمین بودجه جاری دولت از طریق مالیات از اهداف اکثر قریب به اتفاق دولت‌ها می‌باشد که برخی از دول در این رابطه موفق و برخی هم مانند کشور ایران ناموفق عمل نموده اند که عوامل زیادی از قبیل اتکاء به درآمدهای نفتی، افزایش و عدم کنترل مخارج عمومی، فرار مالیاتی و غیره در آن نقش به سزایی خواهد داشت (زهی، ۱۳۸۹). هر نظام مالیاتی در جهان امروز وظایف متعددی را به عهده دارد که تأمین هزینه‌های دولت، تنها یکی از وظایف آن محسوب می‌شود. از مهم ترین وظایف نظام‌های مالیاتی، هدایت اقتصاد در مسیر درست آن است. در واقع اهرم مالیات یکی از مؤثرترین حربه‌ها در هدایت اقتصاد کشور به شمار می‌رود که کشورهای غربی با استفاده درست از آن توانسته اند به پیشرفت‌های اقتصادی بزرگی نایل آیند (روستا، ۱۳۷۵؛ ص ۹۱). دولت‌ها با استفاده از نظام مالیاتی، حاکمیت خود را در کشور اعمال کرده و به اقتصاد کشور برای رسیدن به هدف‌های ملی جهت می دهند. با به کارگیری اهرم‌های هدایت اقتصاد در نظام مالیاتی، می توان بر بسیاری از مشکلات اقتصاد کشور فائق آمد و به کارگیری درست این حربه، می تواند در موفقیت دولت‌ها در به سامان رساندن اقتصاد نقشی اساسی داشته باشد. نظام‌های مالیاتی، نرم افزار دولت‌ها برای ارشاد و هدایت اقتصاد کشور برای بهره گیری از تمام توان اقتصاد است و می تواند در صورت برنامه ریزی و تدوین درست آن، با توجه به هدف‌ها و نیازها و همچنین چشم انداز آینده، با نگرش به روندهای موجود در جهان، اقتصاد کشور را به صورت آرام، متین و قانونمند به سوی پیشرفت و تعالی سوق دهد. متأسفانه نظام مالیاتی ایران، با وجود پیشرفت‌های دهه اخیر نسبت به قبل از آن، هنوز به عنوان یک منبع درآمد برای دولت‌ها عمل می‌کند و سایر جنبه‌های آن، از جمله هدایت اقتصاد، مورد توجه نبوده است. اقدامات معدودی که در نظام مالیاتی کشور برای هدایت اقتصاد صورت گرفته نیز چندان ثمر نثر نبوده. از جمله این اقدامات می‌توان معافیت بخش

کشاورزی از مالیات، معافیت ده ساله شرکت‌ها و کارخانه‌ها در مناطق محروم و نظیر آن را نام برد که در عمل توانسته است تحول قابل قبولی در اقتصاد ایران ایجاد نماید (ایروانی، ۱۳۸۱؛ ص ۵۸). به لحاظ تأکید کارشناسان و صاحب نظران اقتصادی بر استفاده از سیاست اقتصادی کاهش وابستگی بودجه دولت به درآمدهای نفتی و اتکاء بر درآمدهای مالیاتی و افزایش میزان درآمد مالیاتی کشور برای شتاب دادن به روند رشد توسعه اقتصادی و رفاه اجتماعی ضرورت افزایش و به بیانی منطقی نمودن وصول و اخذ مالیات در هر جامعه‌ای با توجه به ویژگی‌های آن یکی از ضروریات است و در این راستا یکی از راهکارهای افزایش حجم درآمدهای مالیاتی، استفاده از قوانین تشویق مالیاتی برای افزایش درآمد مالیاتی می‌باشد فلذا در این پژوهش تأثیر آگاهی شهروندان از اثرات مثبت پرداخت به موقع مالیات و استفاده از قوانین تشویق مالیاتی بر میزان افزایش درآمد مالیاتی کشور مورد بررسی قرار می‌گیرد با امید به آنکه قدمی کوچک در مسیر افزایش حجم درآمدهای مالیاتی برداشته شود.

۳- مبانی نظری پژوهش

ریکاردو که از اولین اقتصاددانان مشهوری می‌باشد که در ارتباط با مالیات اشاراتی داشته است، در تعریف مالیات می‌گوید که آن بخش از محصول زمین و یا نیروی کار یک کشور است که برای تأمین هزینه‌های دولتی اختصاص می‌یابد (دادگر کرمجانی، ۱۳۷۸). مالیات یکی از مهمترین ابزار اعمال سیاست مالی دولت‌ها می‌باشد. اصولاً مالیات از لوازم اصلی اداره حکومت می‌باشد. یعنی وجود دولت و حکومت بدون پدیده مالیات غیر معقول می‌باشد. از سوی دیگر مالیات در حال حاضر یک امر عادی در زندگی مردم گردیده است و اصولاً یک ضرب المثل غربی معروف شده است که از دو چیز نمی‌توان فرار کرد یکی مرگ است و دیگری مالیات. چارلز دیکنز می‌گوید هیچ امری درست تر و واقعی‌تر از مالیات نیست.

نهاد دولت برای اعمال حاکمیت جمعی نیازمند درآمد است، که عمده‌ترین آن، درآمدهای مالیاتی می‌باشد از سوی دیگر با گسترده شدن وظایف دولت نسبت به گذشته مسائل و مشکلات دولت بخصوص در زمینه اقتصاد بیشتر می‌شود (پژویان، ۱۳۷۶؛ ص ۱۶۳).

مالیات به عنوان ابزاری کارآمد در جهت اجرای سیاست‌های اقتصادی؛ اعم از توزیعی و مالی و حتی هدایت اقتصاد در مسیر اهداف کلان اقتصادی مانند تثبیت اقتصادی، ایجاد اشتغال، رشد اقتصادی و بهبود رفاه اجتماعی بشمار می‌آید. از این رو از نظر اقتصاددانان وجود یک نظام مالیاتی کارآمد برای تداوم فعالیت‌های دولت، از ضروریات است (مجتهد، احمدیان، ۱۳۸۸؛ ۴۷).

اهمیت مالیات تنها از بعد کارایی آن برای دولت نبوده بلکه آثار و فشارهای ناشی از آن، عادلانه و یا ناعادلانه بودن آن، تأثیر آن بر کارایی اقتصادی، ایجاد انگیزه منفی و یا مثبت برای فعالیت‌های گوناگون و امثال آن نیز مورد توجه خاص می‌باشد. بنابراین مقوله مالیات از ابعاد مختلف باید مورد توجه قرار گیرد و در ضمن برخوردی شفاف و اصولی را می‌طلبد. زیرا هم عنصری است که بدون آن اقتصاد نخواهد چرخید و هم عنصری است که می‌تواند موجب اشکالات و مشکلاتی در همان اقتصاد گردد. داشتن نظام مالیاتی کارآمد و عادلانه آرزوی بسیاری از ملت‌ها می‌باشد که در عین حال در بسیاری از موارد امکان جمع این دو عنصر دشوار می‌باشد. حداقل باید تلاش کلی این باشد که نظام مالیاتی زیان‌کارایی و زیان ناشی از عدالت کمتری بر جامعه تحمیل نماید (تقی پور، ۱۳۷۸).

۴- اهداف پژوهشی

- هدف کلی:

تعیین تأثیر اجرای قوانین تشویق مالیاتی بر افزایش درآمد مالیاتی دولت، که هدف یاد شده را می‌توان به اهداف زیر تفکیک نمود.

- اهداف جزئی:

- تعیین تأثیر تشویق و تقدیر از مؤدیان خوش حساب در افزایش فرهنگ مالیاتی مؤدیان.
- تعیین تأثیر وجود قوانین مالیاتی مربوط به تخفیف در افزایش فرهنگ مالیاتی.
- تعیین تأثیر اجرای قوانین تشویق مالیاتی در افزایش انگیزه برای مشارکت اجتماعی پرداخت مالیات.
- تعیین تأثیر نگرش مثبت مؤدیان نسبت به کارکرد نظام مالیاتی در افزایش فرهنگ مالیاتی.

۵- چارچوب نظری تحقیق

مبانی نظری این تحقیق بر گرفته از دو نظریه زیر می‌باشد:

۱ - انگیزه‌ها و مشوق‌های سیستم مالیاتی می‌توانند در فرهنگ مالیاتی افراد تأثیر داشته باشد انگیزه‌ها و مشوق‌های مالیاتی می‌تواند به به یکی از اشکال زیر باشد:

الف) معافیت‌های مالیاتی موضوعی

ب) مناطق ویژه

ج) کمک هزینه / اعتبارات مالیاتی سرمایه گذاری

د) مستهلک کردن پرسرعت

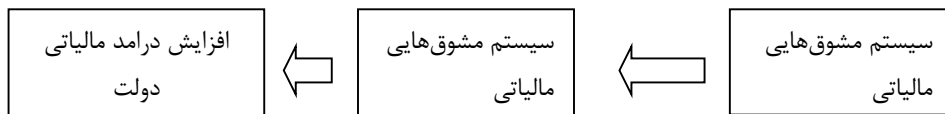
ه) انگیزه‌های تأمین مالی ...

همه این مشوق‌های مالیاتی به دنبال اهداف خاصی مانند صرفه‌های خارجی مثبت، توسعه منطقه‌ای و سرمایه گذاری اضافی، اقتصاد سیاسی و رقابت مالیاتی می‌توانند باشند که در سیستم مالیاتی پیشبینی می‌شوند. روشن است این نوع انگیزه‌ها برای هر سیستمی معایبی را درنیز پی دارند. از معایب آن می‌توان به درآمدهای مالیاتی از دست رفته، هزینه‌های اجرای آن‌ها، رانت جویی و فساد و انواع اختلالات اشاره کرد اما این مشوق‌های مالی می‌تواند در انگیزه مالیاتی مؤدیان اثر بگذارد (تانزی، ۲۰۰۰).

۲ - جامعه از طریق فرآیند جامعه پذیری سعی می‌کند تا الگوهای صحیح رفتاری و به تعبیری دقیق تر هنجارهای اجتماعی را به اعضایش بیاموزد. در واقع آنچه که ما رفتار می‌کنیم حاصل آن چیزی است که به ما یاد داده شده است و اگر خلائی در رفتار ما وجود دارد بدان معناست که یا به ما آموزش نداده‌اند و یا اینکه ما آن را به فراموشی سپرده‌ایم. در هر صورت فرهنگ مالیاتی آمیزه‌ای از نگرش‌ها، باورها، اعتقادات، کنش‌ها، و عکس العمل‌هایی است که ما نسبت به سیستم مالیاتی پیدا می‌کنیم و طی آن یاد می‌گیریم که در قبال نظام مالیاتی چه وظیفه‌ای بر عهده ماست و چه نقشی را باید ایفا نماییم.

نتایج حاصل شده از تحقیقات گویای یک نکته دقیق و مهم است و آن اینکه وضعیت فرهنگ مالیاتی ما در وضعیت خوبی نمی‌باشد و جامعه ما از ضعف فرهنگ مالیاتی رنج می‌برد. در صورتی که اگر ما دارای فرهنگی قوی و نهادینه مالیاتی بودیم نسبت مالیات اخذ شده به تولید ناخالص داخلی به صورت واقعی تر رشد می‌کرد و ما متعهدانه‌تر

رفتارهای مالیاتی خود را در هنگام افتتاح واحد کسبی، تشکیل پرونده مالیاتی، تسلیم به موقع اظهارنامه‌های مالیاتی واقعی و پرداخت مالیات متعلقه انجام می‌دادیم (محسنی تبریزی، ۱۳۸۹).
با تلفیق دو نظریه یاد شده می‌توان مدل مورد استفاده تحقیق حاضر را به شرح زیر مطرح نمود:



۶- روش پژوهش

با عنایت به اینکه در این پژوهش بدون دخل و تصرف در متغیرهای تحقیق (اثر بخشی اجرای قوانین تشویق مالیاتی، افزایش درآمد مالیاتی دولت) به شرح مفصلی از متغیرهای یاد شده پرداخته می‌شود فلذا این پژوهش از نوع توصیفی می‌باشد. از طرف دیگر در پژوهش حاضر از نظریه‌ها، قانونمندی‌ها، اصول و فنونی را که در تحقیقات پایه تدوین می‌شوند برای حل مسائل اجرایی استفاده می‌شود فلذا پژوهش حاضر از دیدگاهی دیگر از نوع کاربردی است.

جامعه آماری

جامعه آماری تحقیق حاضر شامل کلیه مؤدیان مالیاتی اداره مالیات استان خوزستان می‌باشد. که بر اساس اطلاعات اخذ شده از واحد مربوطه تعداد آن‌ها برابر ۲۶۵۲۱ نفر می‌باشد. بر اساس اطلاعات موجود ۷۹/۲ درصد از آزمودنی‌های شرکت کننده در پژوهش متأهل و ۲۰/۸ درصد مجرد می‌باشد. همچنین ۹۴ درصد از افراد شرکت کننده در این پژوهش مرد و ۶ درصد زن می‌باشند.

نمونه آماری و تعیین حجم نمونه

برای اینکه بتوانیم نتایج بدست آمده از نمونه آماری را به جامعه تعمیم دهیم، ملاحظه‌های نظری که در این رابطه باید مورد توجه قرار گیرد، و آن‌ها عبارتند از: الف) نماینده واقعی جامعه ب) تصادفی بودن. بر اساس فرمول تعیین حجم نمونه کوکران و با در نظر گرفتن موارد زیر حجم نمونه آماری این پژوهش به تعداد ۳۶۳ نفر انتخاب گردید.

روش نمونه‌گیری:

برای انتخاب واحدهای مورد مطالعه از روش نمونه‌گیری طبق‌های نسبتی استفاده خواهد شد. بطوریکه نسبت‌های موجود در جامعه آماری (به تفکیک معاونت‌های اداره مالیات استان خوزستان) در نمونه آماری هم رعایت خواهد شد.

ابزار گردآوری اطلاعات

برای جمع‌آوری اطلاعات از جامعه آماری و به منظور آزمون فرضیه‌های تنظیم شده در تحقیق حاضر از پرسشنامه محقق ساخته‌ای که با توجه به متغیرهای تحقیق و عملیاتی آن‌ها تنظیم شده، استفاده می‌شود. پرسشنامه تنظیم شده دارای گویه‌های با طیف لیکرت و گزینه‌های (بسیار زیاد، زیاد، متوسط، کم، بسیار کم) هستند. و پس از جمع‌آوری پرسشنامه‌ها به گزینه‌های بسیار زیاد، زیاد، متوسط، کم، بسیار کم به ترتیب ارزش ۵، ۴، ۳، ۲، ۱ اختصاص داده می‌شود در مرحله بعدی ارزش گزینه‌های انتخاب شده توسط هر کدام از افراد با هم جمع جبری شده و متغیرهای تحقیق حاصل می‌شود.

- تجزیه و تحلیل داده ها:

توزیع فراوانی و درصد پاسخ دهندگان به تفکیک میزان تحصیلات به این صورت است که ۳۸/۲ درصد آزمودنی ها دیپلم ۲۲/۲ درصد فوق دیپلم می باشد، همچنین میزان تحصیلات ۲۴/۵ درصد لیسانس و ۱۲ درصد آزمودنی ها فوق لیسانس و بالاتر می باشد، ۳/۱ درصد آزمودنی ها به این سؤال پاسخ نداده اند (جدول ۱).

جدول شماره ۱: اطلاعات توصیفی مربوط به میزان تحصیلات

درصد	تعداد	شرح
۳۸/۲	۱۴۷	دیپلم
۲۲/۲	۸۵	فوق دیپلم
۲۴/۵	۹۴	لیسانس
۱۲/۰	۴۶	فوق لیسانس و بالاتر
۳/۱	۱۲	پاسخ نداده
۱۰۰	۳۸۴	جمع

توزیع فراوانی و درصد پاسخ دهندگان به تفکیک میزان سن براساس اطلاعات مندرج در جدول ۲ نشان می دهد سن ۶/۲ درصد آزمودنی ها برابر یا کمتر از ۲۵ سال می باشد، ۱۵/۴ درصد آزمودنی ها ۲۶ الی ۳۰ سال و ۱۸/۲ درصد آزمودنی ها ۳۱ الی ۳۵ سال سن دارند، همچنین ۲۱/۳ درصد آزمودنی ها ۳۶ الی ۴۰ سال سن دارند. ۱۵/۹ درصد آزمودنی ها ۴۱ الی ۴۵ سال سن، ۸/۱ و ۶/۸ درصد به ترتیب ۴۶ الی ۵۰ سال و ۵۱ سال و بیشتر سن دارند و ۹/۶ درصد نیز سن خود را مشخص نکرده اند (جدول ۲).

جدول شماره ۲: اطلاعات توصیفی مربوط به سن

درصد	تعداد	شرح
۶/۲	۲۴	برابر با ۲۵ سال و کمتر
۱۵/۴	۵۹	۲۶ الی ۳۰ سال
۱۸/۲	۷۰	۳۱ الی ۳۵ سال
۲۱/۳	۸۲	۳۶ الی ۴۰ سال
۱۵/۹	۶۱	۴۱ الی ۴۵ سال
۸/۱	۳۱	۴۶ الی ۵۰ سال
۶/۸	۲۶	۵۱ سال و بیشتر
۹/۶	۳۷	پاسخ نداده
۱۰۰	۳۸۴	جمع

توزیع فراوانی و درصد پاسخ دهندگان به تفکیک وضعیت تأهل به این صورت است که ۲۰/۸ درصد آزمودنی ها مجرد بوده و ۷۹/۲ درصد آزمودنی ها متأهل می باشند (جدول ۳).

جدول شماره ۳: اطلاعات توصیفی مربوط به وضعیت تأهل

شرح	تعداد	درصد
مجرد	۸۰	۲۰/۸
متأهل	۳۰۴	۷۹/۲
جمع	۳۸۴	۱۰۰

توزیع فراوانی و درصد پاسخ دهندگان به تفکیک جنسیت به این صورت است که ۹۴/۰ درصد آزمودنی های شرکت کننده در پژوهش حاضر مرد و ۶/۰ درصد آزمودنی ها زن می باشند (جدول ۴).

جدول شماره ۴: اطلاعات توصیفی مربوط به جنسیت

شرح	تعداد	درصد
مرد	۳۱۹	۹۴/۰
زن	۲۳	۶/۰
جمع	۳۸۴	۱۰۰

همچنین توزیع فراوانی و درصد پاسخ دهندگان به تفکیک سابقه کار در شغل فردی، به این صورت است که ۵۴/۴ درصد آزمودنی ها دارای ۱ الی ۱۰ سال سابقه می باشند ۳۹/۸ درصد آزمودنی ها دارای ۱۱ الی ۲۱ سال سابقه کار می باشند، ۵/۸ درصد آزمودنی ها دارای بیش از ۲۱ سال سابقه کار می باشند (جدول ۵).

جدول شماره ۵: اطلاعات توصیفی مربوط به نوع شغل

شرح	تعداد	درصد
۱ الی ۱۰ سال	۲۰۹	۵۴/۴
۱۱ تا ۲۱ سال	۱۵۳	۳۹/۸
بیش از ۲۱ سال	۲۲	۵/۸
جمع	۳۸۴	۱۰۰

– تجزیه و تحلیل استنباطی با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون
آزمون فرضیات تحقیق:

– فرضیه اصلی تحقیق: اجرای قوانین تشویق مالیاتی بر افزایش درآمد مالیاتی دولت مؤثر است.

فرضیه های فرعی اول : قوانین تشویق مالیاتی در توسعه فرهنگ مالیاتی مؤدیان مؤثر است.

نتایج بدست آمده از اجرای این آزمون در جدول ۶ آورده شده است، بطوریکه داده‌های مندرج در جدول یاد شده نشان می‌دهد میزان ضریب همبستگی بین دو متغیر یاد شده رقمی معادل با $R = 0.064$ است برای آزمون تأثیر قوانین تشویق مالیاتی در توسعه فرهنگ مالیاتی مودیان از آزمون رگرسیون استفاده شده است. با توجه به اینکه مقدار ضریب تشخیص R^2 که عبارت است از نسبت تغییرات توضیح داده شده توسط متغیر X به تغییرات کل، 0.004 می باشد. می توان بیان نمود که 0.4 درصد تغییرات فرهنگ مالیاتی، توسط تشویق مالیاتی تبیین می گردد.

جدول شماره ۶: جدول ضرایب رگرسیون برای تبیین میزان فرهنگ مالیاتی

ضریب همبستگی	ضریب تشخیص (R^2)	ضریب تشخیص تعدیل یافته	خطای استاندارد
0.064	0.004	0.001	0.05

جدول شماره ۷: تحلیل واریانس فرضیه اول مربوط به مدل رگرسیونی تأثیر قوانین تشویق مالیاتی در توسعه فرهنگ مالیاتی مودیان

سطح معنی داری	سطح اطمینان	F	میانگین مربعات	مجموع مربعات	درجه آزادی	منبع تغییرات
0.211	0.79		$40.31/5$	$40.31/15$	۱	رگرسیون
نتیجه آزمون:	$1/57$		$25/631$	$9790/925$	۳۸۲	باقیمانده
تأیید فرض H_0			-----	$9831/240$	۳۸۳	کل

چنانچه در جدول ۷ ملاحظه می گردد که سطح معنی داری آزمون مربوطه برابر 0.21 می باشد، می توان چنین ادعا نمود که آزمون فوق معنی دار نیست. پس فرض H_1 رد و فرض H_0 تأیید می گردد. فلذا قوانین تشویق مالیاتی در توسعه فرهنگ مالیاتی مودیان موثر نیست.

فرضیه فرعی دوم: اجرای قوانین تشویق مالیاتی در افزایش انگیزه برای مشارکت اجتماعی پرداخت مالیات موثر است.

در فرضیه شماره دو این تحقیق تأثیر تشویقات مالیاتی در افزایش انگیزه مشارکت اجتماعی مورد بررسی قرار می گیرد. آزمون مورد استفاده ضریب همبستگی پیرسون می باشد. نتایج بدست آمده از اجرای این آزمون در جدول ۸ آورده شده است، بطوریکه داده‌های مندرج در جدول یاد شده نشان می‌دهد میزان ضریب همبستگی بین دو متغیر یاد شده رقمی معادل با $R = 0.626$ است برای آزمون تأثیر قوانین تشویق مالیاتی در توسعه مشارکت اجتماعی مودیان از آزمون رگرسیون استفاده شده است. با توجه به اینکه مقدار ضریب تشخیص R^2 که برابر با 0.392 می باشد. می توان بیان نمود که 39 درصد تغییرات فرهنگ مالیاتی، توسط تشویق مالیاتی تبیین می گردد.

جدول شماره ۸: جدول ضرایب رگرسیون برای تبیین میزان مشارکت اجتماعی

ضریب همبستگی	ضریب تشخیص (R2)	ضریب تشخیص تعدیل یافته	خطای استاندارد
/۶۲۶	/۳۹۲	/۳۹۰	۳/۹۱

جدول شماره ۹: تحلیل واریانس فرضیه دوم مربوط به مدل رگرسیونی تاثیر قوانین تشویق مالیاتی در توسعه مشارکت اجتماعی برای پرداخت مالیات

سطح معنی داری	سطح اطمینان	F	میانگین مربعات	مجموع مربعات	درجه آزادی	منبع تغییرات
۰/۰۰۱	۰/۹۹		۳۷۸۰/۱	۳۷۸۰/۱۷	۱	رگرسیون
نتیجه آزمون:	۲۴۶/۲۳		۱۵/۳۵	۵۸۶۴/۵۰	۳۸۲	باقیمانده
تأیید فرض H0			-----	۹۶۴۴/۶۸	۳۸۳	کل

چنانچه در جدول ۹ ملاحظه می گردد که سطح معنی داری آزمون مربوطه برابر ۰/۰۰۱ می باشد، می توان چنین ادعا نمود که آزمون فوق معنی دار نیست. پس فرض H1 تأیید و فرض H0 رد می گردد. فلذا قوانین تشویق مالیاتی در توسعه مشارکت اجتماعی برای پرداخت مالیات موثر است.

فرضیه فرعی سوم- نگرش مثبت مؤدیان نسبت به قوانین تشویق مالیاتی عامل مؤثری در افزایش فرهنگ مالیاتی محسوب می شود.

در فرضیه شماره سه این تحقیق تاثیر نگرش مثبت مؤدیان نسبت به قوانین تشویق مالیاتی در افزایش فرهنگ مالیاتی مورد بررسی قرار می گیرد. آزمون مورد استفاده ضریب همبستگی پیرسون می باشد. نتایج بدست آمده از اجرای این آزمون در جدول ۱۰ آورده شده است، بطوریکه داده های مندرج در جدول یاد شده نشان می دهد میزان ضریب همبستگی بین دو متغیر یاد شده رقمی معادل با $R = ۰/۶۷۸$ است برای آزمون تاثیر قوانین تشویق مالیاتی در توسعه فرهنگ مالیاتی مؤدیان از آزمون رگرسیون استفاده شده است. با توجه به اینکه مقدار ضریب تشخیص R^2 که عبارت است از نسبت تغییرات توضیح داده شده توسط متغیر X به تغییرات کل، ۰/۴۶۰ می باشد. می توان بیان نمود که ۴۶ درصد تغییرات فرهنگ مالیاتی، توسط نگرش مثبت مؤدیان نسبت به قوانین تشویق مالیاتی تبیین می گردد.

جدول شماره ۱۰: جدول ضرایب رگرسیون برای تبیین فرهنگ مالیاتی

خطای استاندارد	ضریب تشخیص تعدیل یافته	ضریب تشخیص (R2)	ضریب همبستگی
۳/۷۲	۴۵۶/۰	۴۶۰/۰	۶۷۸/۰

جدول شماره ۱۱: تحلیل واریانس فرضیه سوم مربوط به مدل رگرسیونی تاثیر نگرش مثبت مؤدیان نسبت به قوانین تشویق مالیاتی در افزایش فرهنگ مالیاتی

منبع تغییرات	درجه آزادی	مجموع مربعات	میانگین مربعات	F	سطح اطمینان	سطح معنی داری
رگرسیون	۱	۴۵۲۲/۶۰	۴۵۲۲/۶۰		۰/۹۹	۰/۰۰۱
باقیمانده	۳۸۲	۵۳۰۸/۶۳	۱۳/۸۹	۳۲۵/۴۳	نتیجه آزمون:	
کل	۳۸۳	۹۸۳۱/۲۴	-----		تأیید فرض H_0	

چنانچه در جدول ۱۱ ملاحظه می گردد که سطح معنی داری آزمون مربوطه برابر ۰/۰۰۱ می باشد، می توان چنین ادعا نمود که آزمون فوق معنی دار است پس فرض H_1 تأیید و فرض H_0 رد می گردد. فلذا نگرش مثبت مؤدیان نسبت به قوانین تشویق مالیاتی عامل مؤثری در افزایش فرهنگ مالیاتی محسوب می شود.

- سهم هر یک از متغیرها در پیش بینی افزایش مالیات:

با توجه به اطلاعات بدست آمده ملاحظه می گردد که مقدار سطح معنی داری هر یک از مولفه های اجرای قوانین تشویق مالیاتی بر افزایش درآمد مالیاتی دولت پایین تر از ۰/۰۵ می باشد ($Sig < 0.05$)، پس هر یک از مؤلفه ها سهم یگانه معنی داری برای پیش بینی متغیر ملاک دارند. با توجه به جدول مقدار ضریب بتای مؤلفه مشارکت دارای بیشترین مقدار (۰/۴۳۰) یعنی قویترین سهم یگانه برای تبیین متغیر افزایش درآمد مالیاتی ملاک را فراهم می کند و اولین اولویت را داراست و سپس به ترتیب اولویت، متغیرهای فرهنگ (۰/۴۲۴)، نگرش (۰/۳۱۱) متغیر ملاک را تبیین می کنند. همچنین طبق ضریب همبستگی نیمه تفکیکی انجام گرفته شده برای مؤلفه اجرای قوانین تشویق مالیاتی، میزان ضریب تعیین $R^2 = 0.986$ می باشد، یعنی از روی میزان اجرای تشویق مالیاتی به میزان ۹۸ درصد می توان میزان افزایش مالیاتی را پیش بینی نمود.

جدول شماره ۱۲: ضرایب رگرسیون برای تبیین میزان افزایش مالیات

مدل (عوامل تأثیرگذار)	ضریب همبستگی	مجذور ضریب همبستگی	مجذور ضریب همبستگی تعدیل یافته	خطای استاندارد
تشویق مالیاتی	۹۹۳/۰	۹۸۶/۰	۹۸۶/۰	۳۵/۰

جدول شماره ۱۳: آنالیز واریانس رگرسیون چندگانه برای سنجش رابطه خطی متغیرهای مستقل و وابسته

مدل (عوامل)	مجموع مجزورات	درجه آزادی	میانگین مجزورات	F محاسبه شده	سطح معنی داری
اثر رگرسیون	۳۲۶۸/۵۰	۴	۸۱۷/۱۲	۶۶۲۴/۶	۰/۰۰۱
باقیمانده	۴۶/۷۴	۳۷۹	۰/۱۲۳		
کل	۳۳۱۵/۲۵	۳۸۳			

جدول بالا نشان می‌دهد که میزان پیش‌بینی قوانین تشویق مالیاتی در میزان افزایش مالیاتی معنی‌دار است بطوریکه سطح اعتبار حاصله معنی‌دار است.

جدول شماره ۱۴: ضرایب بتای متغیرهای مؤثر در میزان افزایش مالیات

عوامل	β	خطای استاندارد β	مقدار استاندارد شده β	مقدار T	سطح اعتبار
مقدار ثابت	۰/۱۳۳	۰/۱۴۱		۰/۹۴۱	۰/۳۴۷
تشویق مالیاتی	۰/۲۴۶	۰/۰۰۸	۰/۲۴۱	۳۰/۲۷۰	۰/۰۰۱
مشارکت	۰/۲۵۲	۰/۰۰۵	۰/۴۳۰	۵۱/۷۱۸	۰/۰۰۱
فرهنگ	۰/۲۴۶	۰/۰۰۵	۰/۴۲۴	۴۸/۹	۰/۰۰۱
نگرش	۰/۲۴۶	۰/۰۰۷	۰/۳۱۱	۳۷/۲	۰/۰۰۱

با توجه به مقدار $F=۳۶/۶$ با سطح معنی‌داری $\text{Sig}=۰/۰۰۱$ آزمون تحلیل واریانس می‌توان نتیجه گرفت که رابطه خطی بین دو متغیر تشویقات مالیاتی و افزایش میزان مالیات رابطه معنی‌دار است و با توجه به بتای متغیر مستقل مشارکت (۰/۴۳۰) بیشترین تأثیر را بر روی متغیر میزان افزایش مالیات را دارد.

۷- نتیجه‌گیری و پیشنهادات

- یکی از نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد که قوانین تشویق مالیاتی در توسعه فرهنگ مالیاتی مودیان موثر نیست. بر خلاف نتیجه یاد شده ابونوری (۱۳۸۳) در تحقیق خود واحدیابی مالیات بر شرکت‌ها و برآورد مالیات پنهان (مطالعه موردی: استان مازندران) این چنین نتیجه گرفته است افزایش تعداد واحدهای مالیاتی می‌تواند در اجرای دقیق قوانین و تشویقات مالیاتی موثر واقع شود از طرف دیگر توسعه قوانین تشویق مالیاتی در توسعه فرهنگ مالیاتی اثر می‌گذارد. همچنین گودرزی (۱۳۸۰)، در تحقیق خود می‌نویسد سیستم مالیاتی و قوانین حاکم بر آن می‌تواند موجب تقویت و توسعه فرهنگی مالیاتی شود.

- دومین نتیجه حاصل شده از تحقیق نشان می‌دهد اجرای قوانین تشویق مالیاتی در افزایش انگیزه برای مشارکت اجتماعی پرداخت مالیات موثر است در راستای نتیجه یاد شده شاهسون (۱۳۸۲) نتیجه گرفته است در این پژوهش

شش عامل از میان عوامل مختلفی که قابل بررسی هستند عبارتند از تکنولوژی اطلاعاتی، قوانین و مقررات، تشریفات اداری، خدمات بخش خصوصی، تشریفات و جرایم مالیاتی و آموزش بر اساس نتایج حاصل شده قوانین و مقررات، تشویقات و جرایم مالیاتی بر کارایی نظام مالیاتی تاثیر معنی داری دارد.

همچنین در راستای نتیجه یاد شده خردوستان (۱۳۸۵)، در تحقق خود مطرح می‌کند بالاتر بودن نسبی تلاش مالیاتی در کشورهای الگوی دوم، متأثر از تأکید بیشتر این دو کشور غیرنفتی بر مالیات، به عنوان منبع عمده تأمین درآمد می‌باشد. همچنین در این کشورها اجرای قوانین تشویق مالیاتی در افزایش انگیزه برای مشارکت اجتماعی پرداخت مالیات موثر است.

- یکی دیگر از نتایج حاصل شده در پژوهش حاضر نشان می‌دهد نگرش مثبت مؤدیان نسبت به قوانین تشویق مالیاتی عامل مؤثری در افزایش فرهنگ مالیاتی محسوب می‌شود.

در راستای نتیجه یاد شده احسانفر (۱۳۸۶)، در پژوهشی خود تحت عنوان: برآورد ظرفیت مالیاتی استان مازندران به نتایجی رسیده است مناسبترین معیار برای محاسبه و برآورد این ظرفیت که می‌توان بالقوه از آن مالیات گرفت، پایه مالیاتی بخش‌های مختلف اقتصادی می‌باشد. محقق در بخش دیگری از پژوهش خود آورده است که اگر نگرش مؤدیان مالیاتی در زمینه پرداخت مالیات مثبت شود میزان مالیات اخذ شده افزایش می‌یابد.

همچنین فدایی خوراسگانی، در تحقیق خود نتیجه گیری می‌نماید با اتخاذ تدابیری مانند تشویقات و جرایم مالیاتی در جهت اصلاح نظام مالیاتی و رفع مشکلات موجود، می‌توان وصولی‌های مالیاتی را افزایش داده و اتکا به درآمدهای نفتی را کاهش داد. بدون از بین بردن مشکلات سیستم مالیاتی، این سیستم قادر به تأمین بخش عمده ای از هزینه‌های دولت نخواهد بود.

- از نتایج مهم دیگر پژوهش حاضر اینست که هر یک از مؤلفه‌ها سهم یگانه معنی‌داری برای پیش بینی متغیر ملاک دارند. با توجه به جدول مقدار ضریب بتای مؤلفه مشارکت دارای بیشترین مقدار (۰/۴۳۰) یعنی قویترین سهم یگانه برای تبیین متغیر افزایش درآمد مالیاتی ملاک را فراهم می‌کند و اولین اولویت را داراست و سپس به ترتیب اولویت، متغیرهای فرهنگ (۰/۴۲۴)، نگرش (۰/۳۱۱) متغیر ملاک را تبیین می‌کنند. همسو با نتیجه یاد شده صفری غفاریان (۱۳۷۹)، در پژوهش خود با عنوان برآورد ظرفیت مالیاتی استان آذربایجان شرقی با توجه به عملکرد مالیاتی کل کشور و مقایسه آن با کوشش مالیاتی مهمترین نتایج حاصل از این پایان نامه عبارتند از: عوامل مؤثر بر ظرفیت مالیاتی کشور عبارتند از: تشویق مالیاتی توسعه فرهنگ مالیاتی افزایش انگیزه برای مشارکت اجتماعی نگرش مثبت مؤدیان همچنین جرایم مالیاتی یکی دیگر از عوامل مؤثر بر افزایش ظرفیت مالیاتی می‌باشد. همچنین عزیزی (۱۳۸۷)، در تحقیق خود نتیجه گیری نموده است روش متداول می‌بایست تغییر یافته، و به سیستم جدیدی مبدل گردد محقق در روش جدید اخذ مالیات به تشویقات مالیاتی و جرایم مالیاتی تأکید نموده است.

پیشنهاد کاربردی در راستای تحقیق:

از آنجایی که نتایج حاصل نشان می‌دهد اجرای قوانین جرایم و تشویقات مالیاتی باعث توسعه مشارکت اجتماعی مشتریان می‌گردد. فلذا مدیران ومقامات ارشد سازمانی می‌توانند با ایجاد بسترهای مناسب برای بهینه کردن تشویقات کمک زمینه مناسب برای افزایش و ارتقاء مشارکت اجتماعی مؤدیان فراهم شود از جمله اقدامات و برنامه‌هایی که می‌توان از طریق آن موجبات افزایش انگیزه برای مشارکت اجتماعی برای پرداخت مالیات فراهم ساخت عبارتند از:

- پیشنهاد می‌شود در میزان تشویق برای پرداخت به موقع تجدید نظر شود.

- سرعت عمل جهت تعیین میزان مالیات بیشتر شود.
- برخورد سلیقه‌ای در زمینه انجام امورات و تعیین میزان مالیات به حداقل کاهش یابد.
- اطلاع رسانی به مودیان در مورد قوانین تشویق بیش از پیش شود.

مراجع

۱. ابونوری، ا. (۱۳۸۳). واحدیابی مالیات بر شرکت‌ها و برآورد مالیات پنهان (مطالعه موردی: استان مازندران). پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، شماره ۲۹، ص. ۳۴ تا ۷۶.
۲. احسانفر، م. ح. (۱۳۸۶). برآورد ظرفیت مالیاتی استان مازندران بین سال‌های (۱۳۵۰-۱۳۷۷)، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه مازندران، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی.
۳. ایروانی، م. ج. (۱۳۸۱). تجارت در آینده. مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.
۴. پژویان، ج. (۱۳۷۶). بررسی نظری مختصر از مالیات‌ها و سیستم مالیاتی ایران، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
۵. تقی پور، ا. (۱۳۷۸). وقفه‌های جمع‌آوری مالیات، تورم و درآمدهای مالیاتی حقیقی دولت. مجله برنامه و بودجه شماره ۴۲.
۶. خوردوستان، ب. (۱۳۸۵). برآورد تلاش مالیاتی ایران و مقایسه آن با چند کشور در حال توسعه (۱۹۹۸-۱۹۸۱)، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه شیراز.
۷. روستا، ا. و داور ونوس، ع. ا. (۱۳۷۵). مدیریت بازاریابی، انتشارات سمت، چاپ دوازدهم.
۸. زهی، ن. (۱۳۸۹). بررسی عوامل مؤثر بر فرار مالیاتی (مطالعه موردی استان آذربایجان شرقی) پژوهش‌نامه مالیات، شماره نهم (مسلسل ۵۷).
۹. شاهسون، ی. ع. (۱۳۸۲). بررسی عوامل مؤثر بر کارایی نظام مالیاتی از دیدگاه کارشناسان مالیاتی کرج، پایان نامه کارشناسی ارشد موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه ریزی.
۱۰. عزیزی، ب. (۱۳۸۷). حقوق و وظایف متقابل مودیان و مراجع مالیاتی در حقوق ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه شیراز.
۱۱. گودرزی، پ. (۱۳۸۰). نقش سیاست‌های مالیاتی در سرمایه‌گذاری بخش خصوصی، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تهران، دانشکده علوم اداری و مدیریت بازرگانی.
۱۲. مجتهد، ا. و احمدیان، ا. (۱۳۸۸). اثر درآمدهای مالیاتی دولت بر رفاه اجتماعی ایران، ویژه نامه اقتصادی.
۱۳. محسنی تبریزی، ع.، کمیجانی، ا.، عباس زاده، م. (۱۳۸۹). بررسی عوامل مؤثر بر افزایش فرهنگ مالیاتی در میان مودیان بخش مشاغل (صنف لوازم التحریر) استان البرز پژوهشنامه مالیات، دوره جدید، شماره نهم، مسلسل ۵۷.

14. Tanzi, V. and Howell, H. Z. (2000). "Tax Policy for Emerging Markets: Developing Countries", IMF, WP/00/35.
15. Fox, W. and Matthew, M. (1997). "The Sales Tax and Electronic Commerce: So What's New?" National Tax Journal, 50, 573-592.
16. Braid, R. (1987). "The Spatial Incidence of Retail Sales Taxes," Quarterly Journal of Economics, 102, 881-891.
17. Besley, T. and Harvey, R. (2003) "Sales Taxes and Prices: An Empirical Analysis," National Tax Journal, 52, 157-178.